

بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)

دکتر محمد تقی ایمان*

طاهره کیزقان**

چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان می‌باشد که به شیوه پیمایش انجام شده است. اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه از یک نمونه ۴۱۰ نفری از بین زنان ۱۸ تا ۶۴ ساله شهر شیراز که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، جمع‌آوری گردیده است. در این بررسی از نظریه آنتونی گیدنز جهت تبیین هویت اجتماعی زنان استفاده شده است. طبق این نظریه شاخص‌هایی نظیر اعتماد به نفس، گستره شبکه ارتباطی افراد، میزان رضایت از خود در اجتماع و میزان عقلانیت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی می‌باشند. لازم به ذکر است که هویت اجتماعی خود از پنج بخش هویتی: هویت دینی، قومی، ملی، گروهی و جنسی تشکیل شده است.

نتایج تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع، درآمد خانوار، به ترتیب بیشترین اثرات

*. عضو هیات علمی و گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

را در تبیین متغیر وابسته هویتی دینی داشته‌اند و حدود ۲۶ درصد از واریانس هویت دینی را تبیین کرده‌اند. متغیرهای گستره شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع و اعتماد به نفس متغیرهایی‌اند که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر هویت قومی افراد داشته‌اند و حدود ۳۶ درصد از واریانس مربوطه را تبیین کرده‌اند. متغیرهای گستره شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد و تحصیلات پدر که تأثیر بیشتری نسبت به سایر متغیرها در تبیین هویت جنسی افراد داشته حدود ۳۰ درصد از واریانس مربوطه را تبیین کرده‌اند. متغیرهای گستره شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد و تحصیلات پدر تأثیر عمده‌ای در تبیین هویت گروهی افراد داشته و حدود ۴۰ درصد از واریانس هویت گروهی را تبیین کرده‌اند و نهایتاً متغیرهای تحصیلات مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات فرد بیشترین تأثیرات را در تبیین متغیر هویت ملی افراد داشته‌اند و حدود ۴۰ درصد از واریانس مربوط را تبیین کرده‌اند. با توجه به این که متغیرهای مستقل، میزان قابل توجهی از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. به نظر می‌رسد که مدل مفهومی برگرفته از نظریه گیدنز، جهت سنجش هویت اجتماعی مدل مناسبی باشد.

مقدمه

انسان و جایگاه او در جهان مدت‌هاست که ذهن بشر را به خود مشغول داشته و موضوع مناسبی برای تحقیق بوده است. در جامعه امروزی، انسان از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است و از آنجا که هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است، بررسی هویت انسان‌ها بسیار قابل توجه است.

«هویت اجتماعی» احساس تعلق و همبستگی به یک جامعه است به گونه‌ای که عضو یک جامعه از سایر مجوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد و

تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد.^۱

در جامعه امروزی عواملی چون صنعتی شدن، توسعه تکنولوژی، گسترش اقتصاد، سرمایه‌گذاری و توسعه ارتباطات و فراورده‌های فرهنگی آن نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم، بلکه چارچوب‌های نمادین آنها را نیز دگرگون می‌کنند. دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، قواعد و رسوم اخلاقی و مذهبی پیوسته مورد سوال و تردید قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی افراد به هویت نیاز دارند، از طریق هویت می‌توان از پیچیدگی و سرعت تغییرات اجتماعی کاست و به انسان‌ها توانایی آن را بخشید که نظمی نسبی در زندگی خود و دنیای اطرافشان ایجاد کنند.^۲ دسترسی انسان‌ها بطور اعم و زنان به طور اخص، به هویت واقعی خود باعث تثبیت موقعیت آنان و رسیدن به اهداف‌شان می‌شود.

پیشینه تحقیق

تحلیل و ارزیابی نظری پدیده‌های اجتماعی با قرار گرفتن در دیدگاه‌های علمی اعتبار لازم را به دست می‌آورد و از طریق مدل‌سازی به واقعیت اجتماعی جهت آزمون و ارزیابی تجربی وارد می‌گردد. در این بخش جهت دست‌یابی به یک مدل مفهومی دقیق و روشن به بررسی نظریات اندیشمندان پیرامون هویت می‌پردازیم.

رهیافت جامعه‌شناختی

از دیدگاه جامعه‌شناختی، هویت را از منظر مکاتب کارکردگرایی، کنش متقابل نمادی، مکتب انتقادی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

کارکردگرایان هویت را این‌گونه تعریف می‌کنند: هویت عبارت است از آنچه که باعث تشخیص افراد و گروه‌ها از یکدیگر می‌شود. به این معنی که افراد به وسیله یک‌سری مشخصات

1. Encyclopedia, "social science", International Edition, 7, 1972, P. 61.

2. Ibid: 53.

ثابت خود را معرفی کرده و آنرا وجه تمایز خود از دیگران می‌دانند. پیروان مکتب کارکردگرایی معتقدند که افراد برای اثبات برتری گروه خود به مقایسه گروه خود با گروه بیگانه می‌پردازند.^۱

یکی از تئوری‌پردازان هویت اجتماعی تاجفل است، وی در سال ۱۹۷۸ نظریه هویت اجتماعی خود را مطرح کرده است. اساس نظریه تاجفل توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود. به نظر وی، اجتماع از افرادی تشکیل شده است که با هم براساس پایگاه و قدرت‌شان رابطه دارند و ساختار این ارتباط گروهی برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است. تاجفل معتقد است که افراد برای اثبات برتری گروه خودشان به مقایسه گروه خودی با دیگر گروه‌ها می‌پردازند و با این کار ارزش گروه خودشان را در رابطه با گروه‌های شبیه نشان می‌دهند و به یک مقایسه بین گروهی دست می‌زنند. تاجفل این فرایند را که افراد خودشان یا او را درون گروه را از برون گروه جدا می‌کنند، مقوله‌بندی اجتماعی می‌نامد.^۲ به نظر تاجفل، هویت اجتماعی در یکی از همین فرایندهای درونی کردن مقوله‌بندی‌های اجتماعی پدید می‌آید.^۳

هویت اجتماعی از نظر کنش متقابل‌گرایی عبارت است از: دریافت ما از این که چه کسی هستیم و این که دیگران چه کسی هستند و این که مردم چه فهمی از خودشان و دیگران دارند (که شامل ما هم می‌شود). بنابراین هویت اجتماعی حاصل توافقات و عدم توافقات است.^۴

پیتر بورک یکی از نظریه‌پردازان کنش متقابل‌گرایی است که به طور جدی به بررسی هویت اجتماعی پرداخته است. اساس تئوری هویت پیتر بورک عبارت است از این که اضطراب‌های اجتماعی، ناشی از هویت‌های نامنظم و جداگانه‌ای است که تعارض آنها با یکدیگر استرس ایجاد می‌کند. به نظر پیتر بورک، افراد دارای هویتی ثابت نیستند، بلکه با توجه به هر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، هویت جدید ایجاد می‌یابند. این هویت‌ها ممکن است گسسته یا شکسته و ناقص

1. Skevington & Baker, The social Identity of women, SAGE, publications, London: Newbury, Park New Pelihi, First Publish, 1989, P. 9.

2. Social Cateyoviz

3. Tajfel, H. Social Identity and Intergroup Relations, Cambridge: Cambridge University Press, 1982.

4. Jenkins, R. 1996. P. 15.

باشند و تا وقتی که تعارض این هویت‌های ناقص برطرف نشود تعارض و اضطراب اجتماعی باقی می‌ماند.^۱

بر طبق تئوری بورک، هویت عبارت است از یک مجموعه معانی که در تعریف یک نقش اجتماعی یا موقعیت اجتماعی که یک شخص کیست به کار برده می‌شود. این مجموعه از معانی جداگانه مانند یک معیار (استاندارد) یا مرجع برای «چه کسی بودن» است. وقتی یک هویت فعال می‌شود که یک پیوند با خوردی تثبیت شود.^۲ آنچه در مدل بورک اهمیت دارد، فرایند سازگاری ورودی با معیار هویت می‌باشد که پیامد آن سازگاری رفتارهای اجتماعی متفاوت است.

وقتی معانی دروندادی با معیار هویت منطبق نباشد، حالات زیر پدید می‌آید:

۱. فرد احساس اضطراب می‌کند که این احساس با افزایش عدم توافق معانی دروندادی با معیار هویت افزایش پیدا می‌کند.

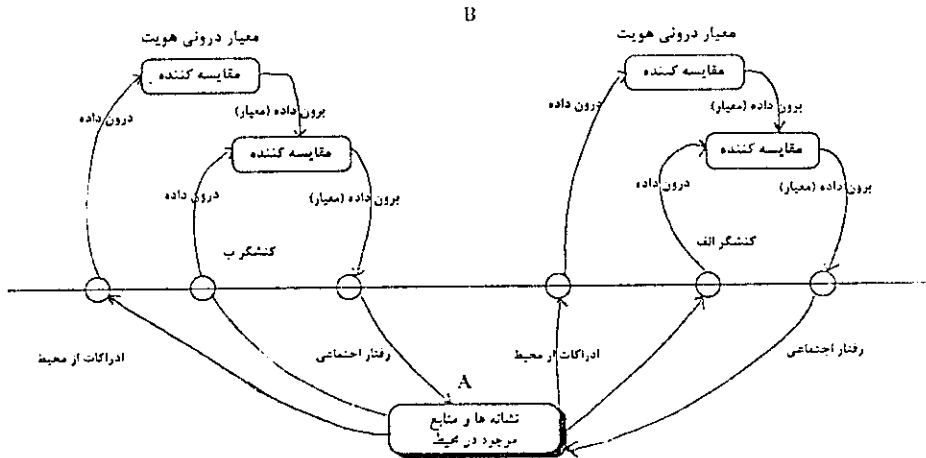
۲. به خاطر اضطراب، خروجی‌ها از نظام هویت به طرف محیط تغییر می‌کنند.

مدل پیتر بورک از هویت شامل دو بخش است. بخش (A) محیط اجتماعی است که شامل نشانه‌ها و منابع محیطی است و بخش (B) محیط انسانی است که شامل معیارهای ذهنی فرد و رفتارهای انتزاعی دیگران است. همان‌طور که در مدل ملاحظه می‌شود، کنشگر X یک سری ادراکات از منابع و نشانه‌های محیط اجتماعی دریافت می‌کند (دروندادها) و آنها را در ابتدا با معیار ذهنی خودش از هویت مقایسه می‌کند که حاصل این مقایسه یک برونداد اولیه می‌باشد در مرحله بعد این ادراکات را با معیار ذهنی دیگران مقایسه می‌کند که ماحصل این مقایسه برونداد نهایی یا در واقع رفتار اجتماعی است که فرد از خود بروز می‌دهد. همین برونداد نهایی مجدداً وارد محیط اجتماعی شده و منبع ادراکات کنشگر بعدی می‌شود. نقطه اشتراک بین کنشگر X و سایر کنشگران در مدل بورک، دریافت ادراکات اولیه از محیط اجتماعی و منابع موجود در آن است. به عبارت دیگر می‌توان گفت دریافت ادراکات از منابع محیط باعث ایجاد یک سیستم

1. Burk, P. "An Identity model for Network Exchange" American Sociological Review, 1997, P. 836.

2. Ibid: 836.

معانی مشترک در بین کنشگران می‌شود که در نهایت رفتار فردی با این سیستم معانی مقایسه شده و تبدیل به رفتار اجتماعی می‌شود.^۱



شکل (۱) - مدل‌های هویت برای دو کنشگر در کنش متقابل

منبع: یورک، ۱۹۹۷، ۸۳۶

طبق نظریه پیتز بورک اگر بخواهیم یک انطباق کامل بین ادراکات خود و معیارهای هویت داشته باشیم، نیاز به مبادلات گسترده و کنش متقابل نمادی با دیگران داریم. مکانیزم کنترل برای هر فرد در این مبادلات عبارت است از دریافت‌های آن فرد در یک موقعیت که باید با معیار هویت منطبق شود.^۲

طرفداران نظریه انتقادی، هویت را عامل تغییرات اجتماعی می‌دانند و معتقدند هویت عبارت است از آگاهی‌هایی که افراد از خودشان دارند که گاهی باعث تحولات اساسی می‌شود.

یکی از این نظریه‌پردازان انتقادی که به بحث هویت توجه کرده است هابرماس است. نکته اساسی در نظریه هابرماس این است که هنگامی که کنش‌های دو کنشگر در جامعه با هم هماهنگ نباشد، تعارضات و تضادهایی به وجود می‌آید. به نظر وی تضادها، تعارضات و بحران هویت‌های موجود ناشی از نبود آزادی و مشارکت حقیقی مردم در تعیین سرنوشت خویش است. به نظر او، لازمه رفع نابرابری‌ها، تعارضات، رسیدن به اجماع عمومی و کنش اجتماعی عام و در

1. Burk, P. 1997, PP. 239-251.

2. Burk, P. 1997, PP. 40-43.

نتیجه سازگاری و یگانگی افراد بر سر باورها و ارزش‌ها و هم‌سویی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تشکیل اجماع عام، وجود آزادی و پرهیز از سلطه برای انجام گفتگویی آزاد و خردمندانه و نیز مشارکت نظری و عملی افراد در حوزه عمومی است. بنابر اعتقاد هابرماس از برآیند این امور، تکامل اجتماعی انسان در قالب جامعه‌ای مدنی پدید می‌آید. جامعه‌ای که در آن، آزادی و عدالت اجتماعی بر محور هویت عام انسانیت و استقبال از تجربه‌های نوین تحقق می‌پذیرد.^۱

چارچوب نظری

در تحقیق حاضر تئوری آنتونی گیدنز به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. از نظر گیدنز هویت عبارت است از: خود شخص آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. به نظر گیدنز، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌گردد و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ کس دارای هویت ثابتی نیست. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است.^۲

به دلیل پویایی جوامع امروزی، حق انتخاب و تنوع انتخاب افراد بیشتر است و هم‌چنین تنوع مراجع در ساخت هویت شخصی افراد خیلی مؤثر است. بازتابندگی خود در جوامع امروزی آن قدر زیاد است که حتی جسم افراد تحت تأثیر بازتابندگی خود است. (مثل رژیم گرفتن‌های غذایی مختلف). به عبارت دیگر، جسم مادی یک جسم بیرونی تلقی نمی‌شود که خارج از هرگونه کنترل درونی ایفای نقش کند، بلکه ارتباط کاملی بین توسعه جسمانی و شیوه زندگی به چشم می‌خورد و در دنیای مدرن امروزی بدن انسان به صورت پدیده‌ای درآمده است که می‌توان آن را موضوع انتخاب‌ها و گزینش‌های مختلف قرار داد. رویدادهای امروزی تنها فردیت را تحت

۱. عبداللهی، محمد. "بحران هویت، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران" نامه انجمن جامعه‌شناسانی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، دفتر اول، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۶.

۲. گیدنز، آنتونی. تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸، ص.

تأثیر قرار نمی‌دهند، بلکه بین جنبه‌های شخصی توسعه جسمانی و عوامل جهانی نیز ارتباط‌هایی برقرار می‌کنند.^۱

به نظر گیدنز، شرط اساسی تدارک هویت شخصی، استقرار «اعتماد بنیادین» است. هویت شخصی را نمی‌توان برحسب ماندگاری‌اش در زمان مورد توجه قرار داد، بلکه هویت برخلاف خود به عنوان پدیده‌ای عام مستلزم آگاهی بازتابی است. هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند. در فعالیت‌های بازتابی خود مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد. هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. هویت یعنی تداوم فرد در زمان و هویت شخصی را می‌توان بازتاب تعبیری که شخص از این تداوم دارد، عنوان کرد. محتوای هویت شخصی یا به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگی‌نامه شخصی از آنها ساخته می‌شود مانند دیگر عرصه‌های وجودی از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. زندگی‌نامه‌های افراد درست مانند حکایت‌های مختلف برحسب مثلاً شکل و سبک با یکدیگر فرق دارند، این موضوع از نظر ارزیابی هویت شخصی در عصر تجدد اهمیتی بنیادین دارد.^۲

گیدنز هم‌چنین بین هویت واقعی و هویتی که فرد از خود نشان می‌دهد تفاوت قائل می‌شود. گیدنز برای روشن کردن این دو مفهوم، مثالی می‌آورد که ما نیز در این جا به آن می‌پردازیم. مردی که قصد دارد زنش را طلاق بدهد ولی هنوز به او چیزی نگفته است و با او به نحو مسالمت‌آمیز زندگی می‌کند، در واقع این مرد دارای دو سطح از هویت است: یکی آن که خودش می‌داند (قصد دارد زنش را طلاق بدهد) و دیگری آن چیزی که در زندگی روزمره نشان می‌دهد (با زنش بطور مسالمت مشغول زندگی است). به موجب این مثال هر فردی در جامعه می‌تواند

۱. گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۲۴.

۲. همان منبع. ص. ۸۶.

چنین وضعیتی داشته باشد و دارای سطوح متفاوتی از هویت باشد که از هر کدام به موقع استفاده کند و خود را در قالب آن نشان دهد.^۱

گیدنز اصطلاح دیگری را تحت عنوان «نظام امنیت هستی‌شناسی» مطرح می‌کند. به این معنی که: «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است. به نظر وی، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی به وجود می‌آید و منشاء کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست.^۲

به نظر گیدنز نظام امنیت هستی‌شناختی باید در زمان استمرار پیدا کند و عوامل استمرار آن از طریق: الف: عادی شدن تماس‌ها با دیگران. ب: تفسیر موفقیت‌آمیز از کنش‌ها برحسب ذخیره معرفتی افراد (آگاهی‌های ذهنی و اطلاعاتی که افراد در ذهن خودشان دارند). ج: توانایی عقلانی کردن امور (با کمک آگاهی نطقی و آگاهی عملی).^۳ به این معنا که فرد اعمال خود را در نزد دیگران موجه جلوه دهد.^۴

گیدنز معتقد است: هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تطمیع‌کننده نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد.^۵ این موضوع در مدل نظری گیدنز از هویت اجتماعی نشان داده شده است. در این مدل، افراد دارای یک هسته اولیه خود می‌باشند که از سه عامل اعتماد بنیادین، ویژگی‌های فردی و جامعه‌پذیری تشکیل شده است. قسمت اعتماد بنیادین خود از طریق عادی

۱. گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۷۴.

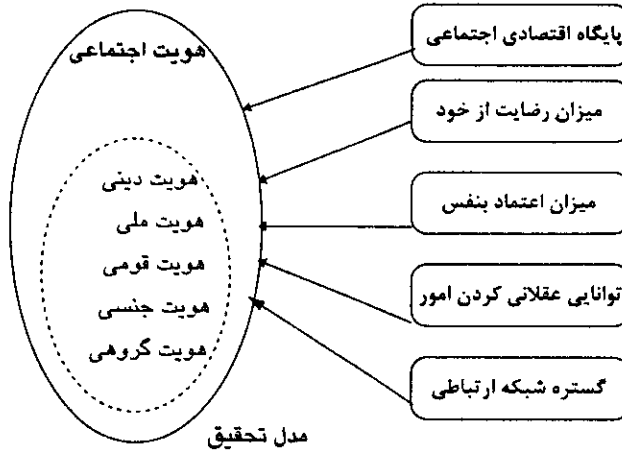
2. Turner, J. H. The Structure of sociological theory, Sixth Edition, 1998, P. 496.

۳. آگاهی نطقی: توان ارائه دلیل برای عقلانی کردن امور انجام شده خود. آگاهی عملی: ذخیره معرفتی (اطلاعات) برای تفسیر دائمی رویدادها.

4. Turner, 1998, PP. 496-7.

شدن تماس‌ها، توانایی عقلانی کردن امور و تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود بر تعداد کنش‌های موفق فرد و انگیزه برای کنش بعدی و نتیجتاً بر هویت اجتماعی فرد تأثیر گذار است. ویژگی‌های فردی که خود شامل ویژگی ظاهری، ویژگی روانی و میزان اعتماد به نفس است، از طریق تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود، تفسیر موفقیت‌آمیز دیگران از کنش و توانایی ایفای نقش‌های گوناگون باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می‌شود که نهایتاً بر هویت اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. قسمت سوم نیز جامعه‌پذیری است که خود به دو قسمت جامعه‌پذیری مدرن و سنتی تقسیم می‌شود. در جامعه‌پذیری سنتی افراد حق انتخاب نداشته و از مراجع محدودی پیروی می‌کنند و دارای یک هویت انتسابی می‌باشند. جامعه‌پذیری مدرن باعث کثرت محیط اجتماعی از یک طرف و تنوع مراجع از طرف دیگر می‌شود که این دو باعث ایفای نقش‌های متعدد، ایجاد خودهای متعدد و ایجاد حق انتخاب برای فرد و رفتار مطابق با محیط‌های گوناگون می‌شوند. به نظر وی، این سه عامل به صورت هم عرض بر میزان انگیزه برای کنش بعدی فرد مؤثر بوده و در نتیجه هویت اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بعضی‌ها قابل انعطافند در حالی که بعضی دیگر بسته‌تر و سخت‌تر هستند و هنوز هم یک‌سری محدودیت و فشارهایی را بر آنچه که افراد در کنش متقابل چهره به چهره انجام می‌دهند، تحمیل می‌کنند.

بر اساس دیدگاه نظری و مدل مفهومی گیدنز می‌توان مدل تجربی زیر را جهت آزمون در واقعیت مورد مطالعه و مورد ارزیابی قرار داد.



همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخص‌های اصلی در مدل عملی تحقیق برگرفته از مدل نظری آنتونی گیدنز از هویت اجتماعی است.

متغیرها

متغیرهای مستقل: پایگاه اقتصادی، اجتماعی، میزان رضایت از خود، میزان اعتماد به نفس، توانایی عقلانی کردن امور و گستره شبکه ارتباطی.

متغیرهای وابسته: هویت اجتماعی که از هویت‌های دینی، ملی، قومی، جنسی و گروهی تشکیل می‌شود.

فرضیات تحقیق

- بین میزان تحصیلات افراد و هویت دینی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد خانوار و هویت دینی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان رضایت از خود در اجتماع و هویت دینی افراد رابطه وجود دارد.
- بین توانایی عقلانی کردن امور در افراد و هویت دینی آنها رابطه وجود دارد.

- بین توانائی عقلانی کردن امور در افراد و هویت دینی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات افراد و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.
- بین گستره شبکه ارتباطی افراد و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد به نفس افراد و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان رضایت از خود در اجتماع و هویت قومی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات افراد و هویت جنسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین گستره شبکه ارتباطی افراد و هویت جنسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات پدر و هویت جنسی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات افراد و هویت گروهی آنها رابطه وجود دارد.
- بین گستره شبکه ارتباطی افراد و هویت گروهی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات پدر و هویت گروهی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات مادر و هویت ملی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات پدر و هویت ملی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات افراد و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از روش تحقیق پیمایشی که یکی از مناسب‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات کمی است، پیروی کرده است. در این راستا، جهت سنجش موضوع مورد مطالعه، از تکنیک‌های مصاحبه و پرسشنامه استفاده گردید.

ابزار سنجش

ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. برای تهیه پرسشنامه حاضر، شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای مستقل و وابسته استخراج و هر کدام توسط طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که در این مطالعه جهت سنجش اعتبار

صوری پرسشنامه، از سؤالات طراحی شده نسخه‌هایی تهیه و به حضور اساتید در دانشگاه‌های مختلف ارسال گردید و به نظرات ایشان در تهیه پرسشنامه نهایی ترتیب اثر داده شد. سپس یک پرسشنامه مقدماتی تنظیم و در بین ۳۰ نفر از زنان به عنوان مطالعه مقدماتی تکمیل گردید و بر اساس نتایج مطالعه مقدماتی، اصلاحات نهایی بر ابزار سنجش انجام گردید.

جامعه آماری مورد مطالعه: زنان بین ۱۸-۶۴ سال در مناطق شش گانه شهر شیراز جامعه آماری مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند، که ۳۸۰۰۰۰ نفر می‌باشند.

روش نمونه‌گیری: در این مطالعه نمونه طی دو مرحله ابتدا بین مناطق شش گانه شهر شیراز، تعدادی حوزه بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردید و سپس از بین این حوزه‌ها تعداد نمونه لازم به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد.

حجم نمونه: در تحقیق حاضر جهت تعیین حجم نمونه از جدول لین^۱ استفاده شد که طبق این جدول با توجه به جمعیت زنان در سنین مذکور، حجم نمونه تعداد ۳۸۳ نفر می‌باشد. جهت روایی بیشتر و احتمال عدم برگشت تعدادی از پرسشنامه‌ها، محقق تعداد ۴۱۰ نفر را به صورت تصادفی انتخاب کرده و مورد مطالعه قرار داد.

تعریف مفاهیم

هویت: اگرچه در زمینه‌های مذهبی، ملی، قومی، جنسی و ... می‌تواند تحت عنوان هویت مذهبی، ملی، قومی، جنسی و ... طرح و ارائه گردد، به لحاظ مفهومی یک چارچوب ادراکی است که در آن اطلاعات و معانی به عنوان منابع تفسیر تجربی مورد استفاده اشخاص و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

هویت در بستر فرهنگی نظام اجتماعی (فرهنگ مذهبی، فرهنگ ملی، فرهنگ قومی، فرهنگ جنسی و ...) شکل گرفته و منبع فرهنگی رفتار به شمار می‌آید. بر این اساس شاخه‌های هویت (مذهبی، ملی و ...) تعیین کننده میزان تقید نظری و عملی اشخاص و گروه‌های اجتماعی به مجموعه دستورات، مقررات یا الگوهای رفتاری بستر فرهنگی خاص (مذهب، ملیت، قومیت و ...)

1. Lin, N. Foundation of social Research, New York: Mcgraw Hill, Inc. 1978.

است. از آنجایی که در نظام اجتماعی بستر اجتماعی عام در ارتباط با ساخت و سازهای انسانی (بستر فرهنگی) فعال است، لذا میزان تعلق افراد و گروه‌های اجتماعی به بستر فرهنگ نظام اجتماعی می‌تواند انعکاس دهنده هویت اجتماعی باشد.^۱ اگرچه به لحاظ نظری هویت اجتماعی وجهه غالب هویتی یا اشتراک شاخه‌های فرهنگی نظام اجتماعی (فرهنگ مذهبی، فرهنگ ملی و...) به شمار می‌آید ولی از جهت عملیاتی به ناچار لازم است شاخه‌های هویتی هر نظام اجتماعی هویت ملی، قومی و... مورد ارزیابی تجربی قرار گیرد، تا ارتباط ابعاد هویتی و میزان تسلط یک یا چند هویت در هویت اجتماعی غالب نظام اجتماعی تعیین گردد. در این پژوهش نیز با این هدف به ارزیابی شاخه‌های هویتی، (ملی، مذهبی و...) و تعیین وزن آنها پرداخته شده است.

هویت دینی، قومی، ملی، جنسی، گروهی:

جهت سنجش هر کدام از این شاخه‌های هویتی، گویه‌های مربوطه بر اساس طیف لیکرت طراحی گردید. این گویه‌ها بر اساس تحقیقات انجام شده و اعتباریابی آنها (اعتبار صوری و مطالعه مقدماتی) در زمینه اجتماعی تحقیق در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت و به صورت کمی از طریق طیف لیکرت اندازه‌گیری شد.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: در این تحقیق پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد به کمک شاخص‌هایی مانند درآمد، شغل، تحصیلات، وضعیت مسکن و امکانات رفاهی افراد سنجیده شده است که برای هر شاخص سه مرتبه بالا، متوسط و پایین محاسبه گردیده است.

اعتماد به نفس: در مطالعه حاضر زنانی از اعتماد به نفس بالا برخوردارند که در مقابل مردان احساس یأس نمی‌کنند و به صورت بالقوه توانایی بسیاری از امور را در خود می‌بینند. این متغیر توسط یکسری سوال (گویه) در پرسشنامه، سنجیده شد.

1. Markus, H. "Self - Schemata and processing of information about the self" Journal of personality and social psychology, 1977. 35. PP. 63-78.

توانایی عقلانی کردن امور: این متغیر توسط شاخص‌هایی از قبیل توانایی حساب سود و زیان در مسائل مختلف، میزان اندیشه زنان قبل از انجام یک عمل خاص و میزان تقدیرگرایی در زنان سنجیده شد.

گستره شبکه ارتباطی: حدود و گستره شبکه ارتباطی زنان در این مطالعه توسط شاخص‌هایی نظیر ارتباط با بستگان درجه اول، دوم، همسایگان، همکاران، دوستان و شرکت در مراسم مختلف و انجمن‌های گوناگون محاسبه شد.

میزان رضایت از خود: زنان در این مطالعه از نظر نحوه پوشش، آرایش، رژیم‌های غذایی مختلف و ویژگی اخلاقی مطالعه شدند. میزان رضایت زنان از ظاهر خودشان یکی از شاخص‌هایی است که نشان دهنده ویژگی فردی آنان است. جهت سنجش این شاخص‌ها تعدادی سوال طراحی و از زنان پرسیده شد.

پایایی ابزار سنجش

در این تحقیق برای سنجش پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش آلفای کرونباخ و ماتریس همبستگی بین گویه‌ها استفاده شده است که در جدول ۱ نشان داده شده است. روی آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی گویه‌های هر طیف به کار می‌رود.

جدول ۱ - میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

ضریب آلفا	تعداد گویه	طیف
۰/۷۹	۶	هویت دینی
۰/۷۸۳	۴	هویت قومی
۰/۸۴	۵	هویت ملی
۰/۷۸	۵	هویت جنسی
۰/۸۱	۵	هویت گروهی

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از مرحله جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به دست آمده با کمک نرم‌افزار کامپیوتری (SPSS) تجزیه و تحلیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در سطح توصیفی در این تحقیق از توزیع فراوانی متغیرها استفاده شد و در سطح آمار استنباطی از روش رگرسیون چند متغیره استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا آمارهای توصیفی و سپس آمارهای استنباطی شرح داده می‌شود. آمار توصیفی: بخش اول آمارهای بکار برده شده، آمارهای توصیفی است. در این قسمت جداول توزیع فراوانی و شرح مربوط به آنها می‌آید. جدول شماره ۲، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت دینی می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، زنان با گویه‌هایی که نشان دهنده هویت بالاست به میزان زیادی موافقت نموده‌اند و به مذهب هنوز به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی می‌نگرند.

جدول ۲- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت دینی

کل	بدون جواب	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها
۳۸۳	۲	۷	۳۷	۵۳	۱۴۶	۱۳۸	لازم است انسان تمام فرایض دینی را بجا بیاورد
%۱۰۰	%۰/۵۲	%۱/۸	%۹/۶	%۱۳/۸	%۳۷/۲۸	%۳۶	
۳۸۳	۰	۹	۶۹	۴۷	۱۴۸	۱۱۰	دستورات دینی در مورد تمام مسائل زندگی قابل پیاده شدن است
%۱۰۰	۰	%۲/۲۴	%۱۸/۰۶	%۱۲/۳	%۳۸/۶	%۲۸/۷	
۳۸۳	۴	۴۶	۱۵۱	۲۴	۸۳	۷۵	برای دیندار بودن فقط اعتقاد به خدا کافی است
%۱۰۰	%۱/۰۴	%۱۲	%۳۹/۴	%۶/۳۶	%۲۱/۶	%۱۹/۶	
۳۸۳	۰	۲	۳	۱۴	۱۰۰	۲۶۴	عبادت باعث آرامش روح انسان است
%۱۰۰		%۰/۵۲	%۰/۷۸	%۳/۶	%۲۶/۲	%۶۸/۹	
۳۸۳	۱	۷	۳۲	۵۳	۱۸۸	۱۰۲	ندر و نیاز خیلی وقت‌ها مشکل آدم‌ها را حل می‌کند
%۱۰۰	%۰/۲۶	%۱/۸۲	%۸/۳۵	%۱۳/۸	%۴۹/۱۷	%۲۶/۶	
۳۸۳	۲	۴۴	۱۰۷	۶۱	۱۱۳	۵۶	دین تبعیض زیادی بین حقوق زن و مرد قائل می‌شود
%۱۰۰	%۰/۵۲	%۱۱/۵۳	%۲۷/۹	%۱۵/۹۳	%۲۹/۵	%۱۴/۶۲	

جدول شماره ۳، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت جنسی می‌باشد. در این جدول چگونگی انتخاب گزینه‌ها در گویه‌های مختلف نشان داده شده است و از نحوه انتخاب پاسخ‌ها می‌توان استنباط کرد که زنان از طرفی تمایل به گزینش هویتی مستقل از مردان دارند و از طرف دیگر میزانی از وابستگی به آنها را در پاسخ‌های خود نشان داده‌اند. به عبارت دیگر تعداد قابل توجهی از پاسخ‌گویان به این گویه که "به مردان نمی‌توان در جامع اعتماد کرد" پاسخ مخالف داده‌اند و به عبارت "زنان باید مسائل خود را با زنان در میان بگذارند تا مردان" نیز پاسخ مخالف داده‌اند که این نشان دهنده استقلال‌طلبی زنان همراه با یک وابستگی به مردان است.

جدول ۳- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت جنسی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	بدون جواب	کل
یک مرد نمی‌تواند یک زن را به خوبی درک کند	۶۵	۹۵	۴۵	۱۴۴	۳۴	۰	۳۸۳
	٪۱۶/۹	٪۲۴/۸	٪۱۱/۸	٪۳۷/۶	٪۸/۹	۰	٪۱۰۰
به هیچ مردی در جامعه نمی‌توان اعتماد کرد	۴۳	۷۴	۵۰	۱۵۳	۶۳	۰	۳۸۳
	٪۱۱/۲۰	٪۱۹	٪۱۳/۵	٪۳۹/۹	٪۱۶/۴	۰	٪۱۰۰
من از این که یک زن هستم، خیلی خوشحالم	۱۱۱	۱۳۶	۶۷	۴۲	۲۶	۱	۳۸۳
	٪۲۹/۵	٪۳۵/۵	٪۱۷/۵	٪۱۰/۹	٪۶/۷۹	٪۰/۲۶	٪۱۰۰
زنان باید مسائل خود را با زنان دیگر در میان بگذارند تا مردان	۶۰	۱۱۶	۹۰	۱۰۲	۱۴	۱	۳۸۳
	٪۱۵/۷	٪۳۰/۲۹	٪۲۳/۵	٪۲۶/۶	٪۳/۶۵	٪۰/۲۶	٪۱۰۰
در مجالس زنانه بیشتر خوش می‌گذرد تا مهمانی‌هایی که مردان هم هستند	۸۸	۱۱۲	۵۸	۹۶	۲۶	۳	۳۸۳
	٪۲۲/۹۸	٪۲۹/۲	٪۱۵/۱۴	٪۲۵/۱۱	٪۶/۷۹	٪۰/۷۸	٪۱۰۰

جدول شماره ۴، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت قومی می‌باشد. در جدول نحوه پاسخ‌گویی به گویه اول (ترک، لر یا فارس بودن فرقی ندارد مهم این است که همه در یک کشور زندگی می‌کنیم) نشان دهنده ترجیح هویت ملی بر هویت قومی از طرف پاسخ‌گویان است. اما در گویه‌های بعدی زنان همچنان تاحدی پایبند قومیت‌ها می‌باشند. البته گرایش‌های قومی بیشتر در موارد مهم زندگی مانند ازدواج دیده می‌شود.

جدول ۴- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت قومی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	بدون جواب	کل
ترک، لر، فارس بودن فرقی ندارد مهم این است که همه در یک کشور زندگی می‌کنند	۱۵۵ ٪۴۰/۴۷	۱۶۶ ٪۴۳/۳۵	۲۸ ٪۷/۳۱	۲۶ ٪۶/۷۹	۶ ٪۱/۵۶	۲ ٪۰/۵۲	۳۸۳ ٪۱۰۰
اگر فرزندی داشته باشیم، ترجیح می‌دهم که با هم قوم خود ازدواج کند	۸۴ ٪۲۱/۹	۸۵ ٪۲۲/۱۹	۷۱ ٪۱۸/۵۸	۹۳ ٪۲۴/۲۸	۴۸ ٪۱۲/۵۳	۲ ٪۰/۵۲	۳۸۳ ٪۱۰۰
بهتر است آدم دوست، همسایه و همکارش را هم از بین قوم خود انتخاب کند	۳۱ ٪۸/۰۹	۷۳ ٪۱۹/۰۶	۳۰ ٪۷/۸۳	۱۷۴ ٪۴۵/۴۴	۷۴ ٪۱۹/۳۲	۱ ٪۰/۲۶	۳۸۳ ٪۱۰۰
اگر هرکس با هم قوم خودش زندگی کند، کمتر دچار مشکل می‌شود	۳۷ ٪۹/۶۶	۱۰۳ ٪۲۷/۹	۴۳ ٪۱۱/۲۲	۱۴۳ ٪۳۷/۳۶	۵۶ ٪۱۳/۶	۱ ٪۰/۲۶	۳۸۳ ٪۱۰۰

جدول شماره ۵، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به هویت گروهی می‌باشد. اطلاعات جدول نشان می‌دهد که اگرچه عضویت در گروه‌های امروزی جزء لاینفک زندگی است اما هنوز خانواده جایگاه خود را به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی در بین اعضای جامعه حفظ کرده است و تمایل بیشتر به عضویت گروهی در قالب خانواده دیده می‌شود.

جدول ۵- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت گروهی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	بدون جواب	کل
من بیشتر تمایل دارم با دوستانم باشم تا خانواده‌ام	۳۳ ٪۸/۶	۵۷ ٪۱۴/۹	۵۴ ٪۱۴/۶۴	۱۸۲ ٪۴۷	۵۶ ٪۱۴/۶	۱ ٪۰/۲۶	۳۸۳ ٪۱۰۰
بیشتر اوقات دوستان برای آدم مشکل‌ساز می‌شوند	۴۴ ٪۱۱/۳۴	۱۴۴ ٪۳۷/۹	۶۴ ٪۱۶/۷	۱۰۷ ٪۲۷/۹	۲۳ ٪۶	۱ ٪۰/۲۶	۳۸۳ ٪۱۰۰
با دوستان بیشتر از هر کسی به آدم خوش می‌گذرد	۴۶ ٪۹/۵	۸۸ ٪۲۲/۹	۷۴ ٪۱۹/۳۲	۱۴۴ ٪۳۷/۶	۳۸ ٪۹/۹	۳ ٪۰/۷۸	۳۸۳ ٪۱۰۰
اگر دوستانم برنامه‌ای داشته باشند، با آنها همراه می‌شوم تا با خوشنام	۳۵ ٪۹/۲۲	۸۴ ٪۲۱/۹	۷۱ ٪۱۸/۵	۱۴۶ ٪۳۸/۱۲	۴۲ ٪۱۰/۹۶	۵ ٪۱/۳	۳۸۳ ٪۱۰۰
تا ضرورتی ایجاب نکند من در جمع دوستانم حاضر نمی‌شوم	۳۷ ٪۹/۶۶	۱۴۲ ٪۳۷/۱۶	۵۳ ٪۱۳/۸	۱۲۵ ٪۳۲/۶	۲۴ ٪۶/۲۶	۲ ٪۰/۵۲	۳۸۳ ٪۱۰۰

جدول شماره ۶، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت ملی می‌باشد. اطلاعات جدول نشان دهنده هویت ملی بالایی در پاسخگویان است. از آنجا که هویت ملی پدیده جدیدی است و با مقوله‌هایی چون هویت قومی سازگار نیست ممکن است در ذهن خوانندگان این سوال ایجاد شود که چطور ممکن است فردی هم دارای هویت ملی قوی باشد و هم دارای هویت قومی قوی؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که تمایل پاسخگویان به هویت ملی نیز مانند هویت گروهی بیشتر در قالب سنتی مدنظر است.

جدول ۶- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت ملی

گویه‌ها	کاملا موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملا مخالف	بدون جواب	کل
هیچ جای دنیا برای من مثل ایران نمی‌شود	۱۸۳ ٪۴۷/۸	۹۴ ٪۲۴/۵	۴۵ ٪۱۱/۷۵	۴۵ ٪۱۱/۷۵	۱۴ ٪۳/۶۸	۲ ٪۰/۵۲	۳۸۳ ٪۱۰۰
در صورت امکان به یک کشور خارجی مهاجرت می‌کنم	۶۲ ٪۱۶/۲۴	۸۸ ٪۲۳	۶۸ ٪۱۷/۷	۹۷ ٪۲۵/۳	۶۷ ٪۱۷/۵	۱ ٪۰/۲۶	۳۸۳ ٪۱۰۰
آدم در کشور خودش هر چقدر هم سختی بکشد، بهتر از رفتن به خارج است	۱۵۱ ٪۳۹/۴	۱۰۴ ٪۲۷/۲۲	۵۳ ٪۱۳/۸	۵۵ ٪۱۴/۳۶	۱۸ ٪۴/۷	۲ ٪۰/۵۲	۳۸۳ ٪۱۰۰
من به ایران به عنوان یکی از بافرهنگ‌ترین ملل افتخار می‌کنم	۱۸۴ ٪۴۸/۴	۱۱۶ ٪۳۰	۵۰ ٪۱۳	۲۰ ٪۵/۲	۱۳ ٪۳/۴	۰	۳۸۳ ٪۱۰۰
ایرانی بودن، برای من باعث افتخار است	۱۹۴ ۵۰/۶۴	۱۲۹ ٪۳۳/۷	۴۰ ٪۱۰/۴۴	۱۳ ٪۳/۴	۵ ٪۱/۳	۲ ٪۰/۵۲	۳۸۳ ٪۱۰۰

در بخش آمار استنباطی به شرح رگرسیون چند متغیره می‌پردازیم.

رگرسیون چند متغیره

در تحقیق حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام (Stepwise) استفاده شده است. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد معادله

می‌شوند و متغیرهایی که تأثیری در توضیح متغیر وابسته نداشته باشند خارج از مدل قرار می‌گیرند.^۱

متغیر وابسته (هویت اجتماعی) در تحقیق حاضر خود به پنج شاخه (هویت دینی، هویت قومی، هویت جنسی، هویت گروهی و هویت ملی) تقسیم شده است، لذا متغیرهای مستقل در ارتباط با هر کدام از این موارد در معادله قرار می‌گیرند تا میزان توضیح واریانس در هر یک روشن شود. نتایج رگرسیون چند متغیره در مورد متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق حاضر در جداول شماره ۷ تا ۱۱ آمده است.

همان‌طور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا (B) برای هر چهار متغیر میزان تحصیلات فرد اولین متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان T (۳/۱۹-) و سطح معنی داری (Sig. T = ۰/۰۰۰) همبستگی بالا اما معکوسی با متغیر وابسته دارد، به این صورت که هر چه میزان تحصیلات فرد بالاتر می‌رود، هویت دینی او ضعیف‌تر می‌گردد. بعد از متغیر میزان تحصیلات فرد، متغیر میزان رضایت از خود در اجتماع وارد معادله می‌شود و همبستگی آنان در جهت مثبت با متغیر وابسته ثابت می‌شود، یعنی هر چه میزان رضایت فرد از خود بیشتر است هویت دینی او در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. سپس متغیر توانایی عقلانی کردن امور وارد معادله می‌شود. با توجه به میزان T (۲/۹۴-) و سطح معنی‌داری جدول (Sig. T = ۰/۰۰۰) رابطه بین این متغیر و متغیر وابسته تأیید می‌شود، اما در جهت عکس، یعنی هر چه فرد توانایی عقلانی کردن امور را بیشتر دارد، هویت دینی او ضعیف‌تر است و نهایتاً متغیر میزان درآمد خانوار به عنوان آخرین متغیر وارد معادله می‌شود و با میزان همبستگی کمتری نسبت به متغیرهای قبل رابطه معکوسی با متغیر وابسته دارد، یعنی هر چه میزان درآمد خانوار بیشتر می‌شود هویت دینی او ضعیف‌تر می‌شود.

۱. دی. ای. دواس. پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، نشر نی، ۱۳۷۶، ص. ۲۱۷.

جدول ۷- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی هویت دینی افراد.

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T	R ²
۱- میزان تحصیلات فرد	-۰/۸۸۴	-۰/۱۶۷	-۳/۱۹	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸
۲- میزان رضایت از خود	۰/۸۶۳	۰/۱۴۱	۳/۱۲	۰/۰۰۰	۰/۱۴۷
۳- توانایی عقلانی کردن امور	-۰/۷۴۳	-۰/۱۳۵	-۲/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶
۴- میزان درآمد خانوار	-۰/۳۵۲	-۰/۱۰۲	-۲/۴۳	۰/۰۰۴	۰/۲۵۹
R ² =۰/۲۸۷ F=۰/۳۰۵ R ² = ۰/۲۵۹ Sig.F= ۰/۰۰۰					

همان‌طور که در جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود، آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای هر چهار متغیر در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. به این صورت که متغیر گستره شبکه ارتباطی فرد به عنوان اولین متغیر وارد معادله شده، به این دلیل که بیشترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته (هویت قومی) دارا بوده است. جهت این رابطه منفی است، یعنی هرچه گستره شبکه ارتباطی افراد وسیع‌تر است، میزان قومیت‌گرایی افراد پایین‌تر است. پس از متغیر گستره شبکه ارتباطی، متغیر میزان تحصیلات فرد وارد معادله شده است که با توجه به میزان T (۲/۲۲-) به دست آمده و سطح معنی‌داری جدول (Sig. T=۰/۰۰۲) رابطه بین این دو متغیر در جهت معکوس تأیید می‌شود، به این معنی که هر چه میزان تحصیلات فرد بالاتر می‌رود، هویت قومی او پایین‌تر می‌آید. متغیر میزان رضایت از خود در اجتماع به عنوان سومین متغیر وارد معادله می‌شود و با توجه به T بدست آمده (۲/۸۹-) و سطح معنی‌داری (Sig. T=۰/۰۰۰) در جهت معکوس با متغیر وابسته رابطه دارد، یعنی هرچه فرد از شخصیت خود در اجتماع بیشتر رضایت دارد، هویت قومی او ضعیف‌تر می‌شود. آخرین متغیری که در این مرحله وارد معادله می‌شود میزان اعتماد به نفس می‌باشد که در جهت معکوس با متغیر وابسته همبستگی دارد. به این معنی که هر چه میزان اعتماد به نفس افراد بالاتر باشد، میزان گرایش قومی و هویت قومی آنها ضعیف‌تر می‌باشد.

جدول ۸- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی هویت قومی افراد

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T	R ²
۱- گستره شبکه ارتباطی	-۰/۱۸۹	-۰/۱۶۲	-۳/۰۷	۰/۰۰۰	۰/۱۲۱
۲- میزان تحصیلات فرد	-۰/۱۹۶	-۰/۱۲۰	-۲/۲۲	۰/۰۰۲	۰/۱۳۵
۳- میزان رضایت از خود اجتماع	-۰/۷۹۳	-۰/۱۵۷	-۲/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۱۴۶
۴- میزان اعتماد به نفس	-۰/۷۲۵	-۰/۱۴۴	-۲/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۳۵۹
Sig.F= ۰/۰۰۱		R ² = ۰/۳۵۹		F=۸/۳۷	R=۰/۳۸۴

بر اساس جدول شماره ۹، آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای هر سه متغیر در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. اولین متغیری که در رابطه با متغیر وابسته وارد معادله می‌شود، متغیر گستره شبکه ارتباطی می‌باشد. با توجه به مقدار T به دست آمده (۱/۰۹/-) و سطح معناداری (Sig. T=۰/۰۰۰) رابطه دو متغیر معنادار و معکوس است. یعنی هر چه گستره شبکه ارتباطی افراد بالاتر باشد، هویت جنسی آنها در سطح پایین‌تر قرار دارد. دومین متغیر مستقلی که وارد معادله می‌شود، میزان تحصیلات فرد است که با توجه به مقدار T (۳/۹۴/-) و سطح معنی‌داری (Sig. T=۰/۰۰۰) متوجه می‌شویم که این دو متغیر در جهت معکوس با هم رابطه دارند. در آخرین مرحله، متغیر میزان تحصیلات پدر وارد معادله می‌شود که با در نظر گرفتن مقدار T (۳/۶۶/-) و سطح معنی‌داری (Sig. T=۰/۰۰۱)، هرچه میزان تحصیلات پدر بیشتر باشد، هویت جنسی فرد در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد.

جدول ۹- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی هویت جنسی افراد

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T	R ²
۱- گستره شبکه ارتباطی	-۰/۳۰۵	-۰/۲۱۷	-۴/۱۰۹	۰/۰۰۰	۰/۱۳۸
۲- میزان تحصیلات فرد	-۱/۲۶	-۰/۲۰۸	-۳/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۱
۳- میزان تحصیلات پدر	-۰/۲۷۶	-۰/۱۹۶	-۳/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۲۹۸
Sig.F= ۰/۰۰۱		R ² = ۰/۳۵۹		F=۸/۳۷	R=۰/۳۸۴

در جدول شماره ۱۰ آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای هر سه متغیر در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. اولین متغیری که به عنوان متغیر مستقل در مرحله اول وارد معادله شده است، متغیر گستره شبکه ارتباطی می‌باشد که بیشترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته را دارا می‌باشد. براساس میزان T (۲/۹۸) و سطح معنی‌داری (Sig. T=۰/۰۰۰) رابطه مثبت و بین این دو متغیر تأیید می‌گردد، یعنی هرچه گستره شبکه ارتباطی افراد وسیع‌تر باشد، هویت گروهی آنها در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. دومین متغیر مستقل که وارد معادله شده است، متغیر میزان تحصیلات فرد است که باز هم با توجه به مقدار T (۲/۹۳) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) (Sig. T=) رابطه مستقیم بین این دو متغیر تأیید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه میزان تحصیلات فرد بالاتر رود هویت گروهی او در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. به عنوان آخرین متغیر مستقل، میزان تحصیلات پدر وارد معادله می‌شود که مقدار T (۳/۴۴) و سطح معنی‌داری جدول (Sig. T=۰/۰۰۰) رابطه بین این متغیر و متغیر وابسته را تأیید می‌کند. به این صورت که هر چه میزان تحصیلات پدر بالاتر باشد، هویت گروهی فرد نیز بالاتر می‌رود.

جدول ۱۰- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی هویت گروهی افراد

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T	R ²
۱- گستره شبکه ارتباطی	۰/۳۰۴	۰/۲۱۳	۳/۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۳۹
۲- میزان تحصیلات فرد	۰/۹۷۵	۰/۱۵۷	۲/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۵۸
۳- میزان تحصیلات پدر	۰/۵۳۴	۰/۱۳۵	۳/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۳۹۴
R ² = ۰/۳۹۴ Sig. F = ۰/۰۰۰					R=۰/۳۵۷ F=۱۱/۱۶

همان‌طور که در جدول شماره ۱۱ ملاحظه می‌شود، آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای هر سه متغیر در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است، در رگرسیون چند متغیره مربوط به متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته (هویت ملی) در مرحله اول میزان تحصیلات مادر وارد معادله می‌شود، زیرا بیشترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته را دارد. رابطه این متغیر با توجه به میزان T (-۴/۳۷) و سطح معنی‌داری (Sig. T=۰/۰۰۰) در جهت معکوس با متغیر وابسته تأیید می‌شود، به این معنی که هرچه میزان تحصیلات مادر افزایش می‌یابد هویت ملی فرد

در سطح پایین تری قرار می گیرد. دومین متغیری که وارد معامله شده است، متغیر میزان تحصیلات فرد و سومین متغیر، میزان تحصیلات پدر می باشد که هر دوی این متغیرها در جهت معکوس با متغیر وابسته رابطه دارند. به عبارت دیگر هر چه میزان تحصیلات فرد و تحصیلات پدر او افزایش یابد، هویت ملی او در سطح پایین تری قرار می گیرد.

جدول ۱۱- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی هویت ملی افراد

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T	R ²
۱- گستره شبکه ارتباطی	-۱/۱۹۷	-۰/۲۳۲	-۴/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴
۲- میزان تحصیلات فرد	-۰/۳۴۵	-۰/۲۱۷	-۳/۹۹	۰/۰۰۰	۰/۲۹۳
۳- میزان تحصیلات پدر	-۰/۹۶۰	-۰/۱۵۷	-۲/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹۸
R=۰/۳۵۷ F=۱۱/۱۶ R ² = ۰/۳۹۸ Sig. F = ۰/۰۰۰					

بحث و نتیجه گیری

این مقاله پس از بیان هدف و ضرورت پژوهش به نظریات مربوط به هویت پرداخته است. نظریه آنتونی گیدنز به منظور چارچوب نظری تحقیق انتخاب و پس از ذکر روش شناسی تحقیق، به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته است. تحلیل اطلاعات بر اساس آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفته است. در بخش آماری توصیفی مهم ترین بحث قابل ذکر، تفاوت میانگین نمرات مربوط به هر کدام از بحث های هویت است. همان طور که در چارچوب نظری تحقیق بیان شد متغیر وابسته تحقیق هویت اجتماعی می باشد که خود به پنج بخش هویت دینی، قومی، گروهی، جنسی و ملی تقسیم شده است. میانگین نمرات این هویت ها در مقایسه با یکدیگر به این صورت است: هویت دینی ۲۲/۱۷، هویت قومی ۱۰/۳۱، هویت ملی ۱۹/۳۴، هویت گروهی ۱۳/۹ و هویت جنسی ۱۸/۵. بالاترین میانگین نمرات پاسخگويان به ترتیب، میانگین نمره هویت دینی، ملی، جنسی، گروهی و نهایتاً نمره هویت قومی می باشد. در بخش آمار استنباطی نتایج تحلیل چند متغیره نشان می دهد که در رابطه با هویت دینی (یکی از اشکال هویت اجتماعی) از مجموع متغیرهای مستقل، چهار متغیر (میزان تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع، توانایی عقلانی کردن امور و میزان درآمد خانوار) با متغیر وابسته (هویت دینی) رابطه معناداری داشته و در مجموع

حدود ۲۶ درصد از واریانس هویت دینی را تبیین کرده‌اند. در مورد هویت قومی، از مجموع متغیرهای مستقل، چهار متغیر (گستره شبکه ارتباطی، میزان تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع و میزان اعتماد به نفس) با متغیر وابسته (هویت قومی) رابطه معناداری داشته و به طور کلی حدود ۳۶ درصد از واریانس هویت قومی را توضیح می‌دهند. در رابطه با هویت جنسی از مجموع متغیرهای مستقل، سه متغیر (گستره شبکه ارتباطی، میزان تحصیلات فرد و میزان تحصیلات پدر) با متغیر وابسته (هویت جنسی) رابطه داشته و در مجموع حدود ۳۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. رگرسیون چند متغیره در مورد هویت گروهی نشان می‌دهد که از مجموع متغیرهای مستقل، سه متغیر (گستره شبکه ارتباطی، میزان تحصیلات فرد و میزان تحصیلات پدر) با متغیر وابسته (هویت گروهی) رابطه معناداری داشته و حدود ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. در رابطه با هویت ملی، از مجموع متغیرهای مستقل، سه متغیر (میزان تحصیلات مادر، میزان تحصیلات فرد و میزان تحصیلات پدر) با متغیر وابسته (هویت ملی) رابطه معنادار داشته و حدود ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. پس از بررسی نتایج آماری لازم است تا بر اساس دیدگاه نظری گیدنز به بحث و بررسی نتایج به دست آمده پردازیم.

با گذر جوامع از حالت صنعتی به فرا صنعتی و عصر جدید، بحث مربوط به زنان هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد و بحث و بررسی در مورد اشتغال و حقوق و هویت آنها توسط اندیشمندان اجتماعی شدت یافته است. این مباحث در کشور ما هم به عنوان کشوری که در حال گذار از یک مرحله نیمه صنعتی به مرحله صنعتی است، احساس شده است و همین احساس، بسیاری را بر این داشته که موضوع تحقیقات خود را زنان قرار داده و بر این موضوع تمرکز کنند. یکی از خصوصیات دوران گذر این است که افراد در این دوره دچار نوعی نابسامانی هویتی ناشی از عدم جدائی کامل از هویت گذشته و اتصال کامل به هویت جدید می‌شوند. از آنجا که کنش‌های افراد در جامعه کاملاً در ارتباط مستقیم با شکل‌گیری و تحول هویت آنهاست، بی‌تردید در صورتی که این سردرگمی در هویت به سرانجامی نرسد، نمی‌توان انتظار کنش‌های سودمندانه و مفید از افراد داشت. در تحقیق حاضر این سردرگمی در هویت در بخش‌های متفاوت هویت اجتماعی زنان

ملموس است. زنانی که از طرفی پایبند امورات دینی خود می‌باشند (میانگین بالای هویت دینی نسبت به اشکال دیگر هویت) (جدول شماره ۲، گویه‌های ۱-۲-۴-۵) و از طرف دیگر به میزانی از عقلانیت و فرار از تقدیرگرایی رسیده‌اند. زنانی که در موقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی بالاتر قرار می‌گیرند، از اعتقادات دینی خود، هرچند به سختی جدا می‌شوند، در حالی که هیچ چیزی استوارتر از آن نیافته‌اند و اگر در اعتقادات خود بمانند با جامعه فراصنعتی و چرایی‌ها چه کنند و اگر جدا شوند به کدام ریسمان محکم‌تر از آنچه در دست دارند چنگ بزنند. بنابراین رگه‌هایی از این نابسامانی در رفتار و گفتارشان هویدا است (جدول شماره ۲ مقایسه پاسخ به گویه‌های شماره ۱-۲-۴-۵ با گویه‌های ۳ و ۶) و از آن جا که عناصر مدرن و فرامدرن روز به روز بیشتر به زندگی‌شان وارد می‌شود و در برخورد با آنها گریزی نیست، اجباراً برخلاف میل درونی باید از آنچه دارند فاصله گرفته و به آنچه نمی‌دانند چیست و کجاست متوسل شوند. امروز زنان جامعه ما ادعای جدایی از قومیت‌های خود را دارند و به شعار جهانی ضدنژادپرستی استناد می‌کنند، اما اگر فرزندان‌شان بخواهد ازدواج کند، ترجیح می‌دهند او را به کسی بسپارند که به گفته خود از یک قوم و نژادند. بنابراین مشاهده می‌کنیم که گرچه قوم‌گرایی را ترجیح نمی‌دهند ولی جایگزینی هم برای آن نیافته‌اند (جدول شماره ۳، گویه‌های شماره ۲-۳ و ۴). همراه با ورود عناصر جدید به جامعه ما، زنان با آگاهی از هویت، قدرت و حقوق خود خواهان رقابت با مردان بوده در حالی که موضع آنان در برابر مردان مانند موضوع سایر زنان جهان نیست. از مقابله با مردان سلب قدرت آنان را نمی‌خواهند، بلکه زندگی مسالمت‌آمیز در کنار آنان را برای خود لازم می‌دانند. مایل به اطاعت کامل از مردان نیز نمی‌باشند آنان می‌خواهند که در کنار مردان باشند، نه برتر و نه پایین‌تر از آنان، در سایر نقاط جهان زنان، خواهان به زیر کشیدن مردان از کرسی قدرتند، ولی زنان در جامعه ما فقط قصد دفاع از حقوق فردی و اجتماعی خود را دارند و همچنان وجود مردان را در کنار خود برای رسیدن به اهداف‌شان مفید می‌دانند (جدول شماره ۳ مقایسه پاسخ به گویه‌های شماره ۳ و ۵ با گویه‌های ۱-۲ و ۴). از آنجا که زندگی در ساختار پیچیده امروزی، همکاری و عضویت در گروه‌های اجتماعی را می‌طلبد و زنان هم از این موضوع آگاهی یافته‌اند، در نظرات خود میزان بالایی از هویت گروهی را نشان می‌دهند، اما واقعیت امر این است که همین تمایل به

گروه‌های اجتماعی نیز در قالب سنتی آن قرار می‌گیرد و گروه خانواده به عنوان یکی از قدیمی‌ترین گروه‌های اجتماعی در مقابل سایر گروه‌ها و خصوصاً گروه‌های دوستی عرض اندام می‌کند. زنان راه برآورده کردن نیازهای خود را شرکت در گروه می‌دانند ولی اگر از آنها پرسیده شود، بیشتر به چه گروهی اعتماد دارید؟ خانواده را مثال می‌آورند و اگر بخواهند از بین دو گزینه، همراهی با دوستان یا همراهی با خویشاوندان و خانواده، یکی را انتخاب کنند، به طور حتم گزینه دوم را انتخاب خواهند کرد (جدول شماره ۵ مقایسه پاسخ به گویه‌های شماره ۱ تا ۵ با همدیگر) اگر بخواهند با جامعه جدید همراه شوند باید از قید خانواده رها شوند و خود را به نهادهای جدید بسپارند ولی نه توان بریدن از کانون اصلی پرورش خود را دارند و نه به عنصرهای نمادین تجدد اعتماد دارند، بنابراین در این سرگردانی به سر می‌برند. البته آنچه روشن است غلبه تدریجی عناصر جدید است که ناگزیر جایگزین عناصر سنتی خواهد شد. زنان امروز، مایل به ارتباطات گسترده می‌باشند، اما نه به صورت جدید آن بلکه در قالب ارتباطات سنتی. بنابراین مفهوم جدید ارتباط، در زندگی افراد به طور کلی و زنان به طور خاصی ملموس نیست. گرچه نمره هویت ملی زنان (۱۹/۳۴) به عنوان مقوله‌ای مدرن قابل توجه است ولی نه به دلیل تفکر مدرن آنان است بلکه به خاطر تأثیر گروه‌های مرجع و خصوصاً خانواده است. در جامعه تفاوتی اساسی بین هویت ملی به معنای جدید و سنتی آن وجود دارد و آنچه مدنظر ماست، معنی سنتی آن است که از طریق هویت‌های خویشاوندی تجلی می‌یابد (جدول شماره ۶، گویه‌های شماره ۱ تا ۵).

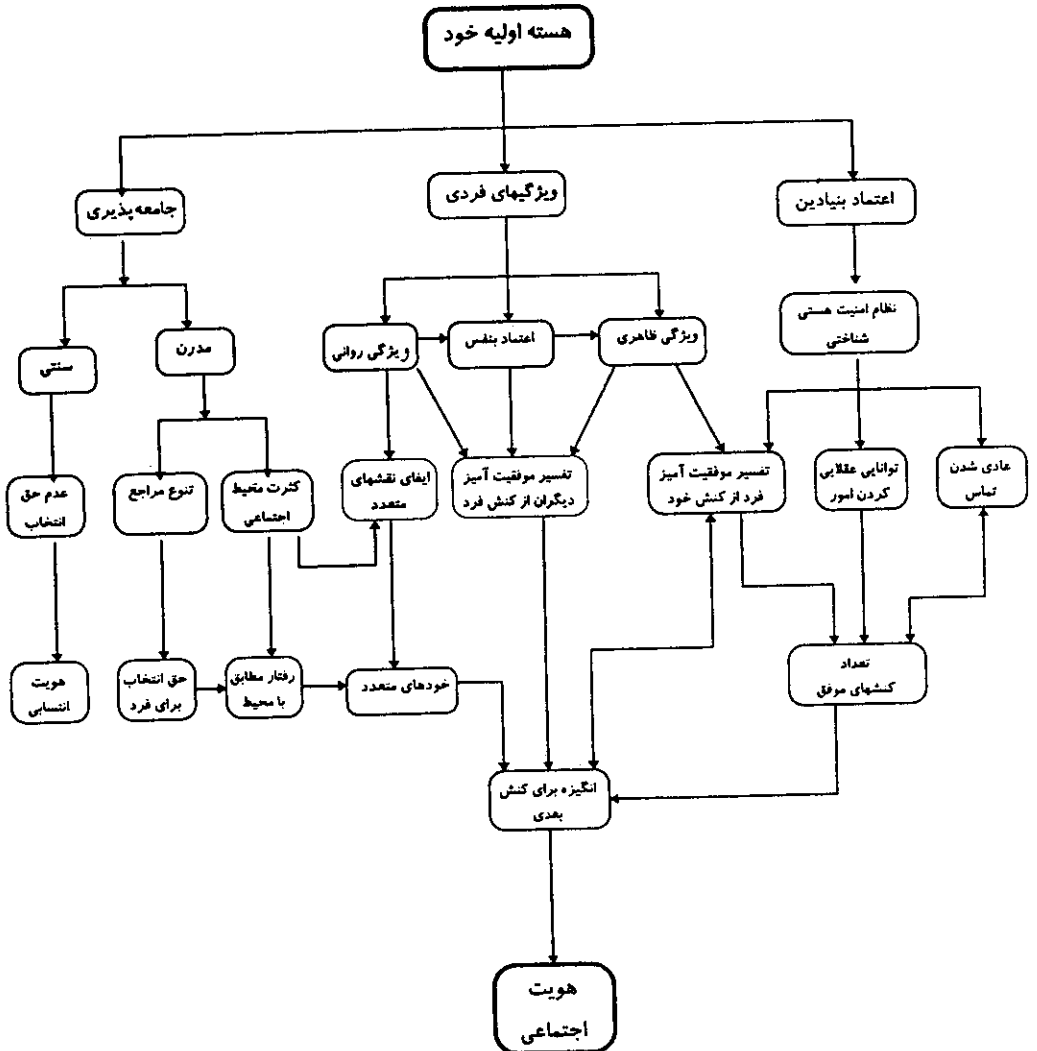
با عنایت به این که گیدنز هویت را در جامعه مدرن مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است، انسان هویت خود را در لابه‌لای قرارگاه‌های نمادین تجدد شکل می‌دهد: این قرارگاه‌ها در جامعه ما نیز قابل لمس است و زنان در جستجوی هویت خود از بین این قرارگاه‌ها می‌باشند. هرگاه افراد به طور کلی و زنان به طور خاص بتوانند تعریفی مشخص از هویت فردی و اجتماعی خود داشته باشند و بدان دست یابند از این سرگردانی نجات خواهند یافت.

بر اساس مباحث نظری و یافته‌های این پژوهش، عوامل مؤثر بر سرگردانی در هویت در جامعه امروزی ایران تاحدودی روشن است. از مهم‌ترین عوامل مؤثر، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در جامعه ما یک الگوی مشخص و علمی پیروی نمی‌کند و به طور همزمان چندین الگوی

پراکنده و غیرعلمی به عنوان مرجع نظری در نظام اجتماعی ایفای نقش می‌کند. همچنین ورود تعصبات شخصی و گروهی تصمیم‌گیرندگان جامعه در اداره نظام اجتماعی باعث تزلزل در هویت اجتماعی افراد می‌شود. یکی دیگر از عوامل مؤثر در این بحران، ورود غیرسازمان‌یافته نظام اجتماعی ایران به سیستم جهانی است، از آنجا که سایر کشورهای توسعه یافته بعد از گذر از مراحل لازم، به سیستم جهانی یا سیستم مدرن امروزی پیوسته‌اند. این سردرگمی در هویت را ندارند، ولی جامعه ما به صورت غیرسازمان‌یافته و نامنظم وارد این سیستم شده است و در نتیجه شاهد بی‌سامانی در هویت اجتماعی اعضای آن هستیم. در انتها به عنوان راه‌حل نجات باید گفت: وظیفه حاکمیت سیاسی این است که سازمان اجتماعی را از طریق یک فرایند نظام‌مند صحیح و علمی با یک هدف روشن هدایت کند. به عبارت دیگر باید به یک وحدت نظری و یک دیدگاه علمی از طریق فرایند تئوری‌سازی دست یابد و یک الگوی علمی و واحد برای اداره نظام اجتماعی ارائه دهد تا در گذر جامعه از یک مرحله به مرحله دیگر به آن الگو مراجعه شود.

منابع

- دی. ای - دواس. پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی، ص. ۲۱، ۱۳۷۶.
- عبداللهی، محمد. بحران هویت، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران؛ نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، دفتر اول: ص. ۱۳۶، ۱۳۷۴.
- گیدنز، آنتونی. تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی: ص. ۱۵، ۱۳۷۸.
- Burk. P. An Identity Model for Network Exchange, *American Sociological Review*: 836, 1997.
- Encyclopedia. Social Science, International Edition, vol. 7:61, 1972.
- Jenkins, R. Social Identity, London: Routledge, P: 15, 1996.
- Skevington and Baker. The Social Identity of Women, London: Sage Publition, 1989.
- Tajfel, H. Social Identity and Intergroup Relations, Cambridge: Cambridge University Press, 1982.



شکل ۳-۱- مدل نظری استنتاج شده از تئوری هویت گیدنز